





دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

گروه علوم تربیتی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

**بررسی و تبیین آرای تربیتی پائولو فریره و نقدی بر آن**

استادان راهنما:

دکتر محمدجواد لیاقتدار

دکتر سیدابراهیم میرشاه جعفری

استاد مشاور:

دکتر محمدحسین حیدری

پژوهشگر:

ایوب محمودی

آبان ماه ۱۳۸۹

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.

عدو

از اساید، دمریاتدان، دمر مرشاه ی، دمریدری و

د مروزی ا ان راه یاری و در ما پاس اری و م.

ان پیمان را "مر م" قدم و وایدوارم

های از یایی یا ان ت می اورا مران ده با م.

## چکیده

هدف این پژوهش بررسی، تبیین و نقد آرای تربیتی پائولو فریره برزبیلی می باشد. پائولو فریره یکی از اندیشمندان مکتب فرانکفورت به شمار می رود که با انتشار کتاب «آموزش ستمدیدگان» به شهرت رسید. از مهم ترین اندیشه های تربیتی فریره می توان به «تربیت رهایی بخش» و «تربیت سیاسی» اشاره کرد. فریره تلاش کرد تا مفهوم سنتی آموزش را که آن را «آموزش بانکی» می نامید در پرتو آموزشی که او آموزش مبتنی بر «طرح مسئله» قلمداد می کرد تغییر دهد. از این رو فریره از تربیت رهایی بخش سخن می گوید که در آن فرد باید بکوشد رابطه عمودی بین خود و سیستم آموزشی را به یک رابطه افقی تبدیل کند؛ رابطه ای که در آن فرد خود را از سلطه دیگرانی که بر اندیشه و جامعه ای او حکومت می کنند برهاند. بر همین اساس، چهره رویکرد تربیتی فریره کاملاً سیاسی است. او با طرح اینکه آموزش و پرورش بی طرف وجود ندارد بر تربیت سیاسی فراگیران تاکید می کند. او بر مبنای رویکرد رهایی بخش خود به نظام آموزشی، روش های گوناگونی را ارائه می دهد که از مهمترین آن ها گفت و شنود، طرح مسئله، ایجاد حلقه های فرهنگی و پژوهش موضوعی می باشد. در نهایت، فریره با طرح اندیشه های انتقادی خود در زمینه تعلیم و تربیت، توانست در اهداف، روشها، برنامه ریزی و اصول آموزش و پرورش تغییراتی بنیادین به وجود بیاورد. روش این پژوهش از یک سو مطالعه موردی بوده است زیرا محقق عمدتاً به دنبال تبیین و بررسی اندیشه های تربیتی پائولو فریره و نقد آن ها بوده و از سوی دیگر، روش تحلیلی - استنباطی مورد استفاده قرار گرفته است زیرا محقق با مراجعه به آثار فریره و کتاب ها و مقاله های نوشته شده توسط دیگران در مورد اندیشه های فریره، به تحلیل، بررسی و نقد دیدگاههای او پرداخته است. نتایج به دست آمده نشان داد که فریره با ایجاد تغییر در ساختار و محتوای نظام آموزشی، و همچنین توجه به آموزش بزرگسالان و ایجاد رویکرد انتقادی به یادگیری و آموزش، زمینه های ایجاد یک سیستم آموزشی پویا و فعال را در سرتاسر جهان فراهم آورده است. تلاش های فریره در کشورهای مختلف با استقبال روبرو شد و مقدمات تحول در نظام آموزشی کشورهای در حال توسعه جهان سوم را فراهم آورد.

**واژگان کلیدی:** پائولو فریره، مکتب فرانکفورت، تربیت رهایی بخش، تربیت سیاسی، تفکر انتقادی.

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: کلیات

۱-۱	مقدمه	۱
۲-۱	شرح و بیان مسئله	۱
۳-۱	اهمیت و ضرورت تحقیق	۵
۴-۱	هدف پژوهش	۸
۱-۴-۱	هدف کلی	۸
۲-۴-۱	هدف‌های ویژه	۸
۵-۱	سوال‌های ویژه تحقیق	۸
۶-۱	روش تحقیق	۸
۱-۶-۱	روش گردآوری اطلاعات	۹
۷-۱	تعریف مفاهیم	۹
۱-۷-۱	یادگیری انتقادی	۹
۲-۷-۱	آموزش‌رهای بخش	۱۰
۳-۷-۱	تربیت سیاسی	۱۰
۸-۱	پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق	۱۰
۹-۱	نتیجه‌گیری	۱۹

### فصل دوم: مروری کوتاه بر زندگی سیاسی - اجتماعی پائولو فریره

۱-۲	مقدمه	۲۱
۲-۲	گذری بر زندگی نامه پائولو فریره	۲۲
۳-۲	جایگاه پائولو فریره در عرصه تعلیم و تربیت	۲۷
۴-۲	زمینه اجتماعی - سیاسی رشد اندیشه انتقادی پائولو فریره	۲۹
۵-۲	بررسی تاریخی اندیشه انتقادی در تعلیم و تربیت	۳۲
۶-۲	نتیجه‌گیری	۳۶

### فصل سوم: بررسی اندیشه‌های تربیتی پائولو فریره

۱-۳	مقدمه	۳۸
۲-۳	دیدگاه‌های فلسفی فریره	۳۹

عنوان	صفحه
۳-۳ مربیان فریره.....	۴۳
۴-۳ فرهنگ سکوت.....	۴۶
۳-۴-۱ ویژگی‌های فرهنگ سکوت.....	۴۷
۳-۵ تربیت رهایی‌بخش.....	۵۰
۳-۶ تربیت انتقادی.....	۵۲
۳-۶-۱ حرکت جدلی تفکر (دیالکتیک).....	۵۶
۳-۶-۲ انواع شناخت.....	۵۸
۳-۶-۳ جایگاه معلم در تربیت انتقادی فریره.....	۶۱
۳-۶-۴ جایگاه دانش‌آموز در تربیت انتقادی فریره.....	۶۳
۳-۷ تربیت سیاسی.....	۶۴
۳-۸ آموزش بزرگسالان.....	۷۰
۳-۸-۱ مراحل سوادآموزی بزرگسالان.....	۷۶
۳-۸-۲ خطوط اصلی روش سوادآموزی فریره.....	۷۹
۳-۸-۲-۱ مرتبط ساختن سوادآموزی با عمل اجتماعی.....	۷۹
۳-۸-۲-۲ ژرف‌تر ساختن دانش.....	۷۹
۳-۸-۲-۳ خواندن واقعیت به صورت عمیق تر.....	۸۰
۳-۹ آموزشی ستمدیدگان.....	۸۱
۳-۱۰ رسانه و آموزش و پرورش.....	۸۵
۳-۱۰-۱ نظریه‌ی بصیرت و محاوره پائولو فریره.....	۸۶
۳-۱۱ نتیجه‌گیری.....	۸۹
<b>فصل چهارم: روش‌های تربیتی، محتوا و برنامه‌ریزی آموزشی از دیدگاه پائولو فریره</b>	
۴-۱ مقدمه.....	۹۰
۴-۲ اهداف.....	۹۱
۴-۲-۱ آزادسازی.....	۹۱
۴-۲-۲ هشیارسازی سیاسی.....	۹۴
۴-۲-۳ توسعه سوادآموزی بزرگسالان.....	۹۵
۴-۲-۴ نخبه زدایی.....	۹۷
۴-۲-۵ تلاش برای ایجاد امید، شادی و نشاط در فرایند یادگیری و آموزش.....	۹۹



۱۰۰	۶-۲-۴ تلفیق بین نظریه و عمل در فرایند آموزشی
۱۰۱	۷-۲-۴ توسعه آموزش مبتنی بر دموکراسی انتقادی
۱۰۲	۳-۴ اصول
۱۰۳	۱-۳-۴ توجه به بافت فرهنگی و سنتی جامعه و همه گروه‌های اقلیت
۱۰۵	۲-۳-۴ مشارکت همگام مربیان و دانش‌آموزان در تدوین برنامه‌ریزی آموزشی
۱۰۶	۳-۳-۴ توجه به نقش سیاست در برنامه‌ریزی آموزشی
۱۰۷	۴-۳-۴ ارتباط مستقیم برنامه‌ریزی آموزشی با فرایند تولید اقتصادی
۱۰۹	۵-۳-۴ دانش‌آموز محوری
۱۱۱	۶-۳-۴ فرایند محوری
۱۱۱	۴-۴ روش
۱۱۳	۱-۴-۴ آموزش مبتنی بر گفت و شنود (دیالکتیک)
۱۱۵	۱-۱-۴-۴ ویژگی‌های آموزش مبتنی بر گفت و شنود
۱۱۷	۲-۱-۴-۴ ویژگی‌های تربیت ضد گفت و شنودی
۱۲۰	۳-۱-۴-۴ ابزارهای گفت و شنود
۱۲۳	۲-۴-۴ آموزش مبتنی بر طرح مسئله در برابر آموزش بانکی
۱۲۹	۳-۴-۴ بهره‌گیری از واژگان زایا در سوادآموزی
۱۳۰	۴-۴-۴ حلقه‌های فرهنگی
۱۳۲	۵-۴-۴ پژوهش موضوعی
۱۳۴	۱-۵-۴-۴ مراحل پژوهش موضوعی
۱۴۲	۶-۴-۴ آموزش انتقادی
۱۴۴	۷-۴-۴ روش ۳ گانه تجزیه، تحلیل و ترکیب موضوع
۱۴۵	۸-۴-۴ آموزش در جریان پیشرفت
۱۴۶	۹-۴-۴ آموزش خطامحور
۱۴۸	۵-۴-۴ برنامه‌ریزی آموزشی از دیدگاه فریره
۱۵۱	۱-۵-۴ محتوا (برنامه درسی)
۱۵۳	۲-۵-۴ بازاندیشی در برنامه‌های درسی
۱۵۴	۶-۴ نتیجه‌گیری

## فصل پنجم: نقد اندیشه‌های تربیتی پائولو فریره

۱-۵	مقدمه	۱۵۵
۲-۵	سی ای باورز بر آرای فریره	۱۵۶
۳-۵	نقد پیتر برگر بر آرای فریره	۱۵۸
۴-۵	نقد جیمز والکر بر آرای فریره	۱۵۹
۵-۵	نقد دیوید هرمن بر آرای فریره	۱۶۰
۶-۵	نقد آن شرمین و فرانک مارگینز بر آرای فریره	۱۶۱
۷-۵	بروز تنش در میان دانش‌آموزان با طرح مسائل سیاسی در محیط آموزشی	۱۶۲
۸-۵	تضاد بین تربیت انتقادی و تربیت اخلاقی	۱۶۳
۹-۵	عدم وجود فرصت کافی در ارائه روش‌های تربیتی مورد نظر فریره	۱۶۴
۱۰-۵	بروز تضاد آرای در برنامه‌ریزی آموزشی و درسی مشارکتی	۱۶۵
۱۱-۵	اختلال در برنامه‌های درسی روزانه با اجرای طرح آموزش در خارج از مدرسه	۱۶۶
۱۲-۵	سهل‌انگاری در تشخیص و بهبود خطای دانش‌آموز در روش آموزش خطامحور	۱۶۷

## فصل ششم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۱-۶	مقدمه	۶۹
۲-۶	تحقیق و نتیجه‌گیری	۷۰
۳-۶	پیشنهادات	۱۸۲
۴-۶	محدودیت‌های پژوهش	۱۸۵
	پیوست ۱	۱۸۶
	منابع و مأخذ	۱۹۱

## فصل اول

### کلیات

#### ۱-۱ مقدمه

پائولو فریره به عنوان یکی از بزرگ‌ترین فلاسفه تربیتی معاصر، توانسته است که تاثیر چشمگیری بر نظام‌های آموزشی جهان داشته باشد. از این رو بررسی و تبیین آراء تربیتی وی می‌تواند گوشه‌ای از اندیشه‌های تاثیرگذار وی را بر ما مکشوف سازد. با وجود نفوذ بسیاری که اندیشه‌های وی مخصوصاً در آموزش و پرورش کشورهای جهان سوم داشته است اما برخی از آراء وی نیز توسط منتقدین بزرگی مورد نقد واقع شده است. از این جهت در این پژوهش، در فصل پنجم به نقد آراء تربیتی فریره پرداخته شده است. تلاش محقق بر آن بوده است تا با بررسی و تبیین اندیشه‌های فریره در زمینه تعلیم و تربیت، با اهداف، اصول، روش‌ها، محتوا و برنامه‌ریزی آموزشی از دیدگاه وی آشنایی یابیم. در این فصل پس از شرح و بیان مسئله، اهمیت و ضرورت این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است و به هدف پژوهش، روش تحقیق و روش گردآوری اطلاعات نیز اشاره شده است.

#### ۱-۲ شرح و بیان مسئله

در دنیای امروز آنچه بیش از پیش اهمیت یافته است، مسئله تعلیم و تربیت است. از آنجایی که مبنای فکری و روند تکاملی افراد جامعه از مدرسه و آموزش و پرورش آغاز می‌شود، اندیشمندان بسیاری در این زمینه قلم‌فرسایی نموده‌اند و هر یک به نوعی کوشیده‌اند تا در این فضای گسترده نظریه‌پردازی، به ارائه الگویی موفق و

راهکاری ویژه برای بهبود روند تعلیم و تربیت اقدام کنند. با توجه به گسترش روزافزون تکنولوژی و ترقی علوم و فنون مختلف در سطح جهان و رقابت علمی بین کشورهای مختلف، اهمیت توجه به مسئله آموزش و پرورش دوچندان شده است. از آنجایی که ارتباط تنگاتنگی بین پیشرفت و ترقی یک کشور با کارایی نظام آموزشی آن کشور برقرار است، توجه سیاستمداران نیز به مسئله تعلیم و تربیت بیشتر شده است. ظهور گرایش‌های مختلف و متنوع در رشته تعلیم و تربیت، دلالت خوبی بر اهمیت و حساسیت موضوع در دنیای علوم و تمدن جدید بشری دارد (حسینی، ۱۳۸۴: ۸۸-۸۷).

در باب اهمیت مسئله آموزش و پرورش همین بس که این مسئله، از دیرباز مورد توجه و عنایت فلاسفه بزرگ و مریبان تربیتی جهان بوده است. از افلاطون که در نوشته‌های خود به تعریف تربیت پرداخته (افلاطون، ۱۳۳۷: ۶۴۳) و تکلیف آدمی را در برابر روح و تن و فرزندان و خویشان و هموطنانش مورد بررسی قرار داده (افلاطون، ۱۳۳۷: ۷۲۶) و به تعلیم و تربیت کودکان از آغاز با جزییات کامل اشاره کرده است (افلاطون، ۱۳۳۷: ۷۸۸) تا فیلسوف بزرگ عصر حاضر یعنی ایمانوئل کانت<sup>۱</sup> که معتقد بود بشر تنها با تعلیم و تربیت، انسان تواند شد و آدمی جز آنچه تربیت از او می‌سازد نیست (کاردان، ۱۳۸۷: ۱۵۸) همگی به نوعی دغدغه بررسی مسائل تعلیم و تربیت را داشته‌اند. در این اثنا، عده‌ای از فلاسفه بیشتر و عده‌ای کمتر به این مسئله پرداخته‌اند. در طول زمان، شماری از فلسفه‌های نظام دار به وجود آمده‌اند. ایدئالیسم<sup>۲</sup>، رئالیسم<sup>۳</sup> و تومیسیم<sup>۴</sup> نماینده فلسفه‌های سه‌گانه‌ای هستند که فرایندهای تعلیم و تربیت را هدایت می‌کنند و محتوای برنامه‌های درسی را فراهم می‌آورند. از جمله نظریه‌های تربیتی که با این سه مکتب سنتگرا ارتباط دارند عبارتند از پایدارگرایی<sup>۵</sup> که تعقل انسان را محور قرار می‌دهد و ماهیت‌گرایی<sup>۶</sup> که بر مهارت‌ها و موضوعات بنیادین تاکید می‌ورزد. عملگرایی<sup>۷</sup> جان دیویی نیز بر تعامل بین فرد و محیط زندگی اشاره دارد. دو رویکرد معاصر فلسفه آموزش و پرورش به اگزیستانسیالیسم<sup>۸</sup> و فلسفه تحلیلی بر می‌گردد. اگزیستانسیالیست‌ها نگران ظهور جامعه توده وار و مدارس دیوانسالارانه هستند و فلسفه تحلیلی بر آن است تا معانی الفاظ را در زبانی که به کار می‌بریم، اعم از زبان متداول و گفتار علمی تثبیت کند (گوتک، ۱۳۸۶: ۱۸-۱۷). در این میان باید به یک نحله فلسفی جدید به نام مکتب فرانکفورت<sup>۹</sup> یا نحله انتقادی اشاره کرد

---

1- Immanuel Kant  
 2- Idealism  
 3- Realism  
 4- Tomism  
 5- Perennialism  
 6- Essentialism  
 7- Pragmatism  
 8- Existentialism  
 9- Frankfurt School

که از استقلال و اختیار ناقص و محدود انسان (اکثریت افراد) در جامعه‌های کنونی انتقاد کرده، طرفدار تعمیم آزادی انسان در جهان‌اند. بدین سان، در همه زمینه‌ها به ویژه در زمینه سیاسی و فکری با هرگونه تسلط و تبعیض اعم از صورت نژادی، قومی، جنسی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن مخالفند. یکی از نمایندگان برجسته این نحله در حوزه تعلیم و تربیت پائولو فریره<sup>۱</sup> (پائولو رگلوس نوس فریره) برزیلی می‌باشد که به عنوان یکی از برجسته‌ترین صاحب‌نظران در زمینه تعلیم و تربیت معاصر شناخته می‌شود. در واقع متقن‌ترین نمونه فلسفه تعلیم و تربیت از سوی جان دیویی<sup>۲</sup> و در عصر ما نیز از سوی پائولو فریره، کسی که به فلسفه تعلیم و تربیت به عنوان ابزاری برای بازسازی تجربیات انسان، مدارس و جامعه می‌نگریست، ارائه شده است (الیاس، ۱۳۸۱: ۸۴). در واقع هر تحلیلی از تعلیم و تربیت انتقادی یا رادیکال، با بررسی کار پائولو فریره شروع می‌شود. او نخستین فیلسوف، مربی و دانشمند اولیه تعلیم و تربیت انتقادی یا رادیکال محسوب می‌شود. از نظر تاریخی، تعلیم و تربیت انتقادی، به عنوان فهم نظریه انتقادی<sup>۳</sup> مکتب فرانکفورت در مدارس است، که گاهی اوقات نیز نظریه انتقادی نامیده می‌شود (دیناروند؛ ایمانی، ۱۳۸۷: ۱۵۳-۱۵۲).

رویکرد تازه‌ای که فریره در زمینه اصلاح نظام آموزشی در پیش می‌گیرد، به علت متاثر بودن خود وی از مکتب فلسفی فرانکفورت و همچنین اوضاع سیاسی - اجتماعی کشورش برزیل و متعاقباً کشورهای جهان سوم می‌باشد. به همین علت وی با دیدگاهی انتقادی مسئله آموزش و پرورش را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد و از این منظر به ارائه الگوهای تربیتی مدنظر خود می‌پردازد. از جمله مسائلی که در اندیشه‌های تربیتی فریره، حائز اهمیت است، توجه وی به نقش و ارتباط متقابل سیاست در تربیت و مسائل آموزش و پرورش است. به همین علت، آرای تربیتی وی، اصولاً رنگ و بوی سیاسی به خود گرفته است و کوشیده تا از منظر سیاسی بتواند، روند تربیت سنتی موجود را دگرگون سازد. به همین خاطر وی از آموزش و پرورش رهایی بخش<sup>۴</sup> و آموزش به مثابه آزادسازی<sup>۵</sup>، هشیارسازی<sup>۶</sup> و مردمی سازی<sup>۷</sup> یاد می‌کند و آن را با مشارکت گروهی همه مردم امکان پذیر می‌داند. فریره معتقد است که نظام سنتی موجود در زمینه آموزش و پرورش دیگر نمی‌تواند جوابگوی ذهن منتقدانه فراگیرانی شود که می‌کوشند خود را از فضایی که در آن باید مطیع معلمان باشند، رها سازند. به همین خاطر وی

---

1- Paulo Freire  
 2- John Dewey  
 3- Critical Theory  
 4- Emancipatory Education  
 5- Liberatory  
 6- conscientization  
 7- humanization

طرح مسئله<sup>۱</sup> را در برابر حل مسئله مطرح می‌کند (مک‌لارن و لئونارد، ۲۰۰۴: ۲۵). زیرا معتقد است که در حل مسئله، ذهن فراگیر، قدرت انتقادی خود را از دست می‌دهد و جایی برای بروز خلاقیت در خود نمی‌بیند. به عبارتی دیگر، تربیت سنتی و مصداق متعارف آن یعنی آموزش بانکی می‌کوشد تا:

(الف) فکر کردن و عمل را تحت تسلط (غیر خود) در آورد

(ب) آدمیان را به منطبق شدن با جهان وادارد

(ج) در برابر نیروی آفریننده انسان‌ها سدی ایجاد کند (فریره، ۱۳۵۸: ۶۸).

او از نظام سنتی آموزش و پرورش که در آن معلم به عنوان حاکم مطلق کلاس و دانای کل و دانش‌آموز به عنوان مطیع معلم و کسی که چیزی نمی‌داند و به دانش معلم محتاج است (فریره، ۱۳۵۸: ۶۴). انتقاد می‌کند و می‌کوشد تا با طرح گفت و شنود متقابل بین معلم و فراگیر، این فضای یکسویه آموزشی را در هم شکند. او از نظام سنتی تربیتی به عنوان یک نظام ستمگرانه یاد می‌کند و یادآور می‌شود که در جریان یادگیری واقعی، باید هم معلم و هم فراگیر هر دو از همدیگر، مسائلی را بیاموزند و یادگیری تنها وظیفه شاگردان نیست (فریره، ۱۳۶۳: ۲۱). توجه فریره به اهمیت آموزش بزرگسالان بیشتر ناشی از توجه وی به سیاسی بودن مسئله تربیت است. زیرا وی معتقد است که وقتی بزرگسالان ما از آگاهی سیاسی و اجتماعی برخوردار نباشند، راه برای مقاومت در برابر ظلم و بی‌عدالتی برای همیشه بسته می‌ماند. نکته قابل توجه آن است که در تربیت سیاسی، به ندرت منابعی یافت شده و این حوزه بحث به شدت مغفول مانده است (منصورنژاد، ۱۳۸۵: ۱۱۵). با این حال شاید نخستین فیلسوف تربیتی که به ارتباط متقابل سیاست و آموزش و پرورش توجه نموده است، افلاطون باشد. آنجا که معتقد است هرچه زودتر باید کودکان را از خانواده‌ها گرفت و در یک نظام آموزشی متمرکز و با نظارت دولت تربیت کرد (کاردان، ۱۳۸۷: ۲۶).

با این حال توجه به مسئله تربیت سیاسی پس از قرن‌ها دوباره توسط فریره نمود پیدا می‌کند. آنجایی که معتقد است فقط رای دادن کافی نیست. یک شهروند خوب کسی است که در امور جامعه دخالت کند نه اینکه فقط در روز رأی‌گیری، سازنده و فعال باشد (گداتی، ۱۹۹۴: ۸۸). از نگاه او، جامعه امروز به افرادی نیازمند است که به همان اندازه که در جستجوی علم و دانش می‌کوشند، باید دارای آگاهی سیاسی و قوه تحلیل مسائل روز جامعه خود نیز باشند. و به خاطر همین ایجاد تصور سیاسی از معلمان بود که دستگیر شد (مک‌لارن، ۲۰۰۱: ۱۰۹). همین تصور سیاسی فریره از آموزش و پرورش بود، که موجب شده بود او بر دگرگون‌سازی مدارس

عمومی که زیر نظر و کنترل بوروکراسی<sup>۱</sup> دولتی واقع شده‌اند تاکید کند (گداتی، ۱۹۹۴: ۹۸). فریره کاملاً بر این نکته واقف بود که بی سوادان جامعه، به عنوان یک انسان واقعی مورد توجه طبقه حاکم یا نخبگان جامعه قرار نمی‌گیرند. بلکه اصولاً با آن‌ها به مثابه یک شیء رفتار می‌شود (فریره، ۱۳۶۳: ۳۴).

بنابراین، از نظر او، نخستین مرحله، برای حرکت انسان‌های تحت ستم، تلاش و مبارزه برای آگاهی آن‌ها از آزادسازی خودشان است. فریره در پی آن است که فراگیران از حالت کارپذیر (object) به حالت کارساز (subject) تغییر شکل دهند زیرا اصطلاح کارساز به کسانی اطلاق می‌شود که می‌دانند و عمل می‌کنند، در مقابل کسانی که به عنوان کارپذیر شناخته می‌شوند که دانسته‌اند و بر روی آنان عمل می‌شود (فریره، ۱۳۵۸: ۶).

به طور خلاصه، نگاه ساختارشکنانه فریره به آموزش و پرورش در قرن حاضر، مخاطبان بسیاری داشته است و توانسته نظر بسیاری از صاحب نظران تربیتی را به خود جلب کند. در این پژوهش سعی می‌شود که آراء تربیتی فریره مورد بررسی و تبیین دقیق قرار بگیرد و از این رهگذر، زمینه‌ای برای بهره‌گیری از اندیشه‌های وی در نظام آموزشی کشور فراهم گردد. با توجه به گستردگی نوشته‌های فریره و افرادی که دیدگاه‌های وی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند؛ تبیین آرای تربیتی وی نیازمند تلاش گسترده‌ای است و می‌طلبد که هر یک از موضوعات اساسی که فریره از آن به عنوان یک رویکرد ویژه یاد می‌کند (مانند تربیت رهایی بخش، تربیت انتقادی<sup>۲</sup>، تربیت سیاسی<sup>۳</sup> و...) به طور مجزا مورد بررسی قرار بگیرد. با این حال در این پژوهش تلاش شده است تا یک دید کلی از اندیشه‌های وی ارائه شود تا زمینه برای تحقیق و تفحص دیگر پژوهشگران فراهم گردد.

### ۱-۳ اهمیت و ضرورت تحقیق

راجع به تعلیم و تربیت از دیرباز سخن بسیار گفته‌اند. بی‌جهت نیست که اعلامیه جهانی حقوق بشر در تلاش خود برای حفظ صلح و آرامش در میان ملل تصریح دارد که هر کس حق تعلیم و تربیت دارد. با این حال آنچه احتمالاً هنوز به خوبی درک نشده است این است که تعلیم و تربیت کاری دشوار است. و کانت کاملاً محق است وقتی که می‌نویسد: «در بین ابداعات بشر دو تا از مابقی مشکل‌تر است: هنر مملکت داری یا حکومت و هنر تعلیم و تربیت. و مردم هنوز درباره معنای واقعی این دو اختلاف نظر دارند» و این نکته اخیر در خور تأمل بسیار است. چه اگر معنی و مفهوم تربیت به درستی معلوم نباشد، چه بسا که سعی موسسات تربیتی، اعم از مادی و معنوی چیزی جز ندامت به بار نیاورد (شکوهی، ۱۳۸۱: ۱۱). علاوه بر این امروزه نظریه‌های تربیتی و تاریخ تربیت در

---

1- bureaucracy  
2- Critical Education  
3- Political Education

جهان مورد توجه‌اند و این نتیجه به دست آمده است که نحوه عمل تربیت باید با محک‌های انتقادی واضح و آشکار گردد. ما می‌دانیم که تربیت بدون در نظر گرفتن اهداف و مقاصدش بناچار گرفتار بلایی به نام تنگ نظری می‌شود. با این حال چیزی که در تربیت اهمیت دارد دلیری در ارزشیابی هاست، نه شایستگی محض در بیان واقعیت‌ها. به گفته هایدگر<sup>۱</sup>، فیلسوف نگهبان هستی است، زیرا او بیش از همه چیز برای آینده زندگی می‌کند و از این راه سرنوشت بشر را تعیین می‌کند (مایر، ۱۳۷۴: ۱-۲).

فلسفه و نظریه آموزش و پرورش در نیمه دوم قرن بیستم، به ویژه در دهه‌های پایانی سده، شاهد تغییرات و تحولات دامنه داری بوده است. پیشتر فلسفه و نظریه تعلیم و تربیت عمدتاً در چهارچوب آراء مربیان بزرگ یا استلزامات تربیتی مکتب‌های رسمی فلسفی چون ایدئالیسم، رئالیسم، پراگماتیسم و غیره ارائه می‌شد. اما در نیمه دوم سده اخیر، تفکر در آموزش و پرورش وارد حیطه‌های نوینی شد. به این معنی که نظریه پردازان آموزش و پرورش از یک سو به مکتب‌های جدید فکری و فلسفی همچون اگزیستانسیالیسم، فلسفه تحصیلی، تحلیل زبان و مکاتب انتقادی روی آوردند و استلزامات تربیتی آنها را بررسی کردند، از سوی دیگر مبانی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نظام‌های آموزشی را، به ویژه در جوامع سرمایه داری، نقادانه کاویدند، تا رابطه نزدیک و وابستگی قوی آموزش و پرورش را با آنها بر ملا سازند. این فعالیت‌ها باعث پیدایش آراء و نظریه‌های جدیدی در آموزش و پرورش گردید.

آراء جدید نشان می‌دهد که آموزش و پرورش در جهان کنونی پیچیده‌تر از آن است که تنها بر مبنای آراء مربیان گذشته، یا استلزامات تربیتی مکاتب رسمی فلسفی تبیین باشد. همانگونه که می‌دانیم در طول تاریخ، بویژه در سال‌های اخیر، تعلیم و تربیت موضوع مناقشه‌ها و تعارض‌های بسیاری بوده است. از بسیاری جهت‌ها، وجود دیدگاه‌های متفاوت نشانه‌ای از سرزندگی است. مدرسه به عنوان نهادی اجتماعی کانون تعارض هاست. در ورای هر یک از پیشنهادهایی که برای اصلاح مدرسه و نظام آموزشی طرح می‌شود، مفروض‌هایی درباره عالم، زندگی بنی آدم، و جامعه نهفته است. با امعان نظر درباره این مفروض‌ها با توجه به خاستگاه فلسفی‌شان، می‌توان شقوق مختلف آموزش و پرورش را کاوید و روشن ساخت (گوتک، ۱۳۸۶: ۱۹-۲۰).

در این زمینه یکی از نظریه پردازانی که به ارائه دیدگاهی نو در مورد مسائل تعلیم و تربیت عصر جدید پرداخته است، اندیشمند و فیلسوف مشهور برزیلی، پائولو فریره می‌باشد. توجه و علاقه به بررسی آراء تربیتی این اندیشمند سرشناس با توجه به اقبالی که پژوهشگران جهان از اندیشه‌ها وی کرده‌اند در ایران چندان مورد توجه نبوده است و به جز چند مقاله که درباره وی نگاشته شده و چند کتاب که از وی ترجمه و به چاپ رسیده، اثری



که توانسته باشد اندیشه‌های وی را به صورتی نقادانه و تحلیلی مورد بررسی قرار داده باشد وجود ندارد. فریره که متعلق به نحله فرانکفورت می‌باشد با نگرشی انتقادی به بررسی مسائل آموزش و پرورش پرداخته است. وی با مشربی انتقادی ضرورت اعتلای خودآگاهی توده‌های نوسواد را مورد تاکید قرار می‌دهد. به نظر او مردم تحت سلطه و ستم‌دیده کنونی باید راجع به انواع سلطه‌ها و ترفندهایی که گروه مسلط ممکن است به وسیله آن از سواد ایشان سوء استفاده کند، آگاه شوند؛ این نوسوادان به متونی نیاز دارند که مسائل کنونی جامعه و راه حل آن‌ها را به ایشان بیاموزد.

در همین راستاست که هانری ژيرو<sup>۱</sup> با استفاده از نظر پائولو فریره به تجزیه و تحلیل آموزش و پرورش آمریکایی می‌پردازد و سوادآموزی انتقادی را پیشنهاد می‌کند و آن سواد است که هدف آن آموختن چگونگی تشخیص مسائل و تجزیه و تحلیل و حل آن‌هاست (کاردان، ۱۳۸۷: ۲۷۲). پائولو فریره نگاهی ویژه به ارتباط متقابل سیاست و آموزش و پرورش و مسئله تربیت سیاسی دارد. با اینکه اهمیت تعلیم و تربیت و سیاست قرن‌ها پیش و در آرای افلاطون یافت می‌شود اما آن نگاهی که فریره به این مسئله دارد چیز دیگری است. تلاش فریره بر آن است تا در وهله نخست قشر محروم و ستم‌دیده جامعه را برای سوادآموزی آماده کند. او معتقد است که بی سوادی باعث فرهنگ سکوت<sup>۲</sup> در برابر فرهنگ سلطه می‌شود. و به تبع آن، افراد از داشتن کوچکترین آزادی‌هایی که متعلق به آنان است نیز بی بهره می‌مانند. به همین خاطر سوادآموزی برای فریره، راهی برای آزادسازی و رهاسازی افراد از قید و بندی است که خود برای خود به وجود آورده‌اند.

فریره برای گریز از این بحران، راهکارهایی پیشنهاد می‌کند که می‌توان به برخی از آن‌ها همچون گفت و شنود (دیالوگ)، آموزش به مثابه هشیارسازی، توجه به تربیت انتقادی، تربیت سیاسی، آموزش رهایی بخش، آموزش در حلقه‌های فرهنگی و... اشاره کرد. بررسی‌ها نشان داده است که راهکارهای فریره، در نظام آموزشی نوین بسیار کارساز بوده است. به طوری که نگرش انتقادی وی به مسئله آموزش و پرورش، بازتاب وسیعی در اندیشه‌های نظریه پردازان معاصر وی داشته است. استقبال غیر قابل انکار پژوهشگران و دست‌اندرکاران تربیتی از دیدگاه‌های تازه فریره، باعث شد است تا توجه عمیق‌تر به آرای وی همچنان مورد نظر پژوهشگران مختلف باشد. این پژوهش با هدف بررسی و تبیین آراء تربیتی پائولو فریره با نگرشی انتقادی و از جهات و ابعاد مختلف انجام گرفته است. باشد که گام کوچکی برای شناساندن این فیلسوف تربیتی بزرگ به جامعه آموزشی کشور باشد.

---

1- Henry Giroux  
2- Silence Culture

## ۴-۱ هدف پژوهش

### ۱-۴-۱ هدف کلی

بررسی و تبیین آرای تربیتی پائولو فریره و نقدی بر آن

### ۲-۴-۱ هدف‌های ویژه

- ✓ اهداف آموزش و پرورش از دیدگاه پائولو فریره
- ✓ روش‌های تربیتی از دیدگاه پائولو فریره
- ✓ تبیین آراء تربیتی فریره در ارتباط با آموزش بزرگسالان
- ✓ راهکارهای فریره در رفع تبعیض در نظام آموزشی و مبارزه با آموزش استعماری
- ✓ تحلیل آرای تربیتی فریره در ارتباط با رابطه متقابل سیاست و آموزش و پرورش
- ✓ آراء تربیتی فریره در زمینه آموزش تفکر انتقادی و ارتباط آن با مفاهیمی چون گفت و شنود و ایجاد حلقه‌های فرهنگی

## ۵-۱ سوال‌های ویژه تحقیق

- ✓ اهداف آموزش و پرورش از دیدگاه فریره کدامند؟
- ✓ شیوه‌های مورد نظر فریره برای آموزش بزرگسالان کدامند؟
- ✓ روش‌های مورد نظر فریره برای رفع محرومیت زدایی و تبعیض بین اقشار متوسط و ضعیف جامعه کدامند؟
- ✓ منظور از تربیت انتقادی مورد نظر فریره چیست؟
- ✓ چه ارتباطی بین گفتمان تربیتی فریره و سیاست با توجه به خلق تعابیری ویژه از سوی فریره همچون آموزش به مثابه هشیارسازی، مردمی سازی و آزادسازی و تربیت رهایی بخش وجود دارد؟

## ۶-۱ روش تحقیق

با توجه به اینکه این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است، لذا از روش‌های مطالعات کتابخانه‌ای همراه با تحلیل استفاده شده است که شرح تفصیلی آن به این ترتیب است:

ابتدا پس از انتخاب مسئله اصلی تحقیق به جمع آوری اطلاعات اولیه پرداخته و اهداف پژوهش تعیین گردید. سپس با استفاده از روش تحقیق کتابخانه‌ای به منابع دست اول مرتبط با موضوع پرداختیم. پس از جمع آوری مطالب از روش تحلیل محتوا برای بررسی مطالب در ارتباط با موضوع مورد نظر پرداخته شد. در واقع مطالعه این موضوع به صورت یک تحقیق توصیفی - تحلیلی تلقی می‌شود. توصیفی از آن جهت که هدف محقق از انجام این پژوهش، توصیف عینی، واقعی و منظم یک موضوع (نادری و سیف نراقی، ۱۳۷۸: ۷۲) می‌باشد؛ و از سوی دیگر تحلیلی است به این خاطر که هدف از آن، تبیین دلالت‌های تربیتی حاصل از مباحث فلسفی می‌باشد (سرمد و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۲۷-۱۲۶).

### ۱-۶-۱ روش گردآوری اطلاعات

روش جمع آوری اطلاعات در این پژوهش، شیوه بررسی اسناد و مدارک است که صاحب‌نظران، روش مزبور را جامع‌ترین روش در تحقیقات کیفی می‌دانند؛ زیرا این روش نوعی استراتژی تحلیل است و از سایر روش‌های کیفی عینی تراست (مارشال و راسمن، ۱۳۷۷: ۱۱۹). به همین خاطر، در پژوهش حاضر، از آثار مکتوب پائولو فریره و همچنین مقالات فراوانی که در این زمینه در باره آرای وی در سطح جهان نگاشته شده است، استفاده شده است.

در این پژوهش، گردآوری داده‌ها به صورت ذیل بوده است:

الف) در اولین گام، به منظور دستیابی به یک نگرش کلی از دیدگاه‌های تربیتی فریره، کتابشناسی پائولو فریره مورد مطالعه قرار گرفت و کلیه منابعی که در این زمینه از وی، به چاپ رسیده بود مورد مطالعه قرار گرفت و یادداشت برداری شد.

ب) در گام بعد، کتاب‌هایی که توسط خود فریره نگاشته شده بود ولی در ایران به چاپ نرسیده بود مورد مطالعه قرار گرفت و موارد مهمی از اندیشه‌های وی که در این پژوهش به آن‌ها نیاز می‌شد، استخراج شد.

ج) در گام سوم، مقالات فارسی و انگلیسی که در ارتباط با پائولو فریره به رشته تحریر درآمده بود مورد بررسی و یادداشت برداری قرار گرفت.

### ۱-۷-۱ تعریف مفاهیم

#### ۱-۷-۱-۱ یادگیری انتقادی

فریره معتقد است آدمیان وجود دارند زیرا که در وضعی خاص هستند و هر قدر بیشتر نقادانه بر وجود خود بازتاب بگذارند و بیشتر نقادانه بر آن اثر ببخشند بیشتر وجود خواهند داشت (فریره، ۱۳۵۸: ۱۱۶). به همین خاطر

به نظر می‌رسد، شاید مهم‌ترین دستاورد تربیتی فریره، در پشت سر همه دیدگاه‌های منحصر به فرد او، تلاش برای آگاه‌سازی انتقادی مردمی است که در دامن اندیشه‌های کهنه و مندرس خود، اجباراً و به بهانه تقدیر و سرنوشت، غنوده‌اند. در این فرایند تربیتی ویژه، کلاس فریره، به جای انتقال صرف حقایق و مهارت‌ها از معلم به دانش‌آموز، دانش‌آموزان را به تفکر انتقادی درباره ماهیت موضوع، عقاید، فرایند یادگیری خودشان و همچنین، جامعه‌شان دعوت می‌کند (مک‌لارن و لئونارد، ۲۰۰۴: ۲۴).

### ۱-۷-۲ آموزش رهایی بخش

از دیدگاه آموزش رهایی بخش، مهم‌ترین مسئله برای آدمیان، رسیدن به این احساس است که به سبب بحث پیرامون اندیشه‌ها و نظرهای آشکار یا مستتری که در پیشنهاد‌های آنان و یارانشان وجود دارد، خود را صاحب و مالک اندیشه‌های خود می‌شمارند. از آنجا که این طرز تفکر نسبت به تربیت بر این اعتقاد استوار است که مربی نمی‌تواند و نباید خود برنامه آموزشی خود را ارائه دهد، بلکه باید با گفت و شنود با مردم به این برنامه دست یابد، این طرز فکر می‌تواند مقدمه تربیت ستمدیدگان قرار گیرد و آنان در بسط و گسترش این برنامه دخیل گردند (فریره، ۱۳۵۸: ۱۴۰-۱۳۹).

### ۱-۷-۳ تربیت سیاسی

شاید توجه به اهمیت ارتباط بین سیاست و آموزش و پرورش را از این گفته فریره دریابیم که می‌گوید: چیزی به نام آموزش و پرورش بی طرف وجود ندارد. آموزش یا به صورت وسیله‌ای عمل می‌کند که شرکت نسل جوان را در پذیرش منطق نظام کنونی آسان می‌سازد و آنها را به اطاعت از این نظام وادار می‌سازد یا به صورت تمرین آزادی درمی‌آید، وسیله‌ای که از طریق آن مردان و زنان به صورت انتقادی و خلاق با واقعیت روبرو می‌شوند و درمی‌یابند که چگونه می‌توانند در تغییر دنیای خود شرکت نمایند (به نقل از شعبانی ورکی، ۱۳۸۱: ۱۰۰). فریره در کتاب «آموزش و پرورش برای آزادی» چنین می‌گوید: این یک کشف بزرگ است که آموزش و پرورش، سیاست است (شور و فریره، ۱۹۸۷: ۴۶).

### ۱-۸ پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق

از پائولو فریره چند کتاب در ایران به زبان فارسی به چاپ رسیده است که می‌تواند راهگشای خوبی برای بررسی اندیشه‌های تربیتی وی باشد. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به کتاب آموزش در جریان پیشرفت به ترجمه احمد بیرشک، آموزش ستمدیدگان به ترجمه احمد بیرشک، آموزش شناخت انتقادی به ترجمه منصوره (شیوا) کاویانی و کتاب فرهنگ سکوت به ترجمه علی شریعتمداری اشاره داشت.